

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا.م. شیری
۱۲ نومبر ۲۰۲۲

ناسیونالیسم چه تفاوتی با نازیسم دارد؟



پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش سریع دولت ملت در جمهوریهای پس از انحلال، علاقه‌مندی به مسأله ملی بشدت افزایش یافته است. پرسش‌ها و دشواریهای جدیدی که به وجود آمده، پاسخ‌های جدیدی می‌طلبد. پاسخ به آن‌ها، به ویژه با آغاز رویدادهای اخیر در اوکراین ضرورت یافته است. مثلاً ناسیونالیسم چه تفاوتی با نازیسم دارد؟ پیشنهاد می‌کنم این موضوع خاص را از منظر معنوی و اخلاقی، بر اساس عشق و نفرت مورد بررسی قرار دهیم. هر انسان معمولاً وقتی هویت ملی خود را احساس می‌کند، در اصل هویت ملی دارد.

در این حالت، ناسیونالیسم ایدئولوژی مبتنی بر عشق به ملیت (ملت) و افتخار به ملیت (ملت) خود است. فرقی نمی‌کند که منظور ما ناسیونالیسم قومی (مثل ملیت) باشد یا ناسیونالیسم مدنی (مانند یک ملت). در صورت وجود یک دولت تک قومی (تک قومی)، ناسیونالیسم معتدل ممکن است یک ایدئولوژی دولتی قابل قبول باشد و هیچ کس این کشور را محکوم نخواهد کرد و حتی متوجه این پدیده نخواهد شد. علاوه بر این، در بالاترین نقطه عشق به خلق، ملی‌گرایی می‌تواند وطن‌پرستی تلقی شود.

اما همانطور که می‌گویند از عشق تا نفرت فقط یک قدم فاصله است. وقتی عشق مرز معقول را پشت سر می‌گذارد، به اشتیاق بی‌حد و حصر و اعتیاد دردناک تبدیل می‌شود و حس افتخار به حس غرور تبدیل می‌شود. در اینجا قیاس ناسیونالیسم با مادر مهربانی که فرزند خود را بهترین و استثنائی می‌داند، مناسب است و با عنایت بیش از حد به فرزند خویش، به اخراج فرزندان دیگران از جعبه بازی شروع می‌کند. به این نحو، ناسیونالیسم افراطی نیز به تبلیغ و ترویج برتری ملی و ملت استثنائی دست می‌زند و از اینجا به بعد با انواع بیگانه‌هراسی (خصوصاً با بیگانگان) مانند نژادپرستی (ایده برتری نژادی) و نازیسم ادغام می‌شود.

نازیسم - یک ایدئولوژی مبتنی بر نفرت به دیگر ملیت (ملت) تا محور فزیکتی آن است. اصطلاح «نازیسم» برای نخستین بار به عنوان مترادف «ناسیونال سوسیالیسم» - ایدئولوژی حاکم بر المان هیتلری - استفاده شد. اما بعداً انواع و گونه‌های جدید آن مثل نئونازیسم و غیره پدید آمد. اساسی‌ترین مسأله‌ای که همه این جریان‌ها را متحد می‌کند، نفرت بر مبنای ملی است. نازیسم به عنوان یک ایدئولوژی دولتی پیروز، آشکارا ایدئولوژی جنگ است.

مزیت رویکرد اخلاقی-معنوی به این موضوع عبارت از این است که می‌توان انواع مختلف نازیسم و ناسیونالیسم را به منظور وجه تمایز واضح‌تر و دقیق‌تر آن‌ها مورد توجه قرار داد.

علاوه بر ناسیونالیسم معتدل فوق‌الذکر در یک دولت تک‌قومی که ممکن است کاملاً قابل قبول باشد، دقیقاً همان ناسیونالیسم معتدل در یک دولت چند قومی (چند ملیتی) می‌تواند وجود داشته باشد. در این صورت آن هم ممکن است باعث بروز برخی درگیری‌ها و تنش‌های بین قومی بشود. به خصوص اگر پیروز شود و خود را به عنوان یک ایدئولوژی سراسری تثبیت کند.

در این حالت، کل دستگاه دولتی برای پشتیبانی از یک ملیت خاص با تمام قابلیت‌های قدرتمندش هم در حمایت و هم در سرکوب، امتیازات و مزایا به آن ارائه می‌دهد.

به نسبت رادیکال شدن، ناسیونالیسم سرکوبگرتر می‌شود. از شدت عشق به ملیت خود و حمایت از آن، به طور فزاینده‌ای به سمت تعدی و ظلم به ملیتی دیگر روی می‌آورد و در اینجا ناسیونالیسم می‌تواند با نازیسم همکاری کند، اما نه لزوماً.

اگر ناسیونالیسم در داخل کشور با نازیسم ترکیب شود و با آن همکاری کند، سرکوب تا نابودی فزیکتی یک ملت دیگر یا حتی چند ملت تشدید می‌شود. در صورت پیروزی ناسیونالیسم در اتحاد با نازیسم در مقیاس ملی، یک دولت نازی به وجود می‌آید که معمولاً به اقدامات خصمانه علیه همسایگان خود دست می‌زند.

اما نازیسم می‌تواند بدون ناسیونالیسم نیز به عنوان یک پدیده مستقل وجود داشته باشد. علاوه بر این، ممکن است نازیسم بین‌المللی هم وجود داشته باشد. وقتی با وجود ملی‌گرایی، در میان چند ملت روحیه نفرت علیه یک ملیت خاص نه علیه یک فرد، پدید می‌آید، به اصطلاح «انترناسیونال نازی» شکل می‌گیرد.

همچنین نازیسم می‌تواند بر پایه گروهی یا بر مبنای مذهبی (اعترافی) به عنوان ایدئولوژی برخی گروه‌های ملی و جوامع دیگر وجود داشته باشد. نمونه آن اقدامات خصمانه مشترک چند کشور غربی علیه روسیه و روس‌ها می‌باشد. ورود داوطلبان نازی‌ها به جنگ علیه روسیه در اوکراین و همچنین، اقدامات از سوی تک‌تک ساختارها و سازمان‌های غربی مثال دیگر این مدعاست.

در طول جنگ جهانی دوم، اگر هدف نفرت نازی‌های المان (ناسیونال سوسیالیست‌ها) عمدتاً یهودیان، اسلاوهای شرقی (روس‌ها، اوکراینی‌ها، بلاروس‌ها) و کولی‌ها بودند. اکنون هدف نفرت نازی‌های اوکراینی و غربی در درجه اول روس‌ها هستند. و یهودیانی که در اوکراین زندگی می‌کنند، گاهی اوقات به عنوان نازی‌های سرسخت ضد روسیه نیز عمل می‌کنند. چنین چرخش‌های تاریخی، به نظر می‌رسد، کاملاً ممکن است.

نقل از: [تارنمای جنگ و صلح](#)

[تصویر از گوگل](#)

۲۰ آبان-عقرب ۱۴۰۱